

الگوی مفهومی مشارکت سازمان یافته مردمی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام

نویسندگان: مهران کشتکار^۱ و حمیدرضا حاتمی^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۱/۲۰

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۹، زمستان ۱۳۹۴

چکیده

امروزه در نظام‌های سیاسی، مشارکت مردم در امور مختلف به عنوان ابزار کارآمدی در حل مسائل و مشکلات و توسعه اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود. بدین صورت که در پایین‌ترین سطح، مشارکت صرفاً به «اطلاع‌رسانی مردم در خصوص درک مسائل و مشکلات، جایگزین‌ها، فرصت‌ها و نیز راه‌حل‌ها» و در بالاترین سطح، «سپردن تصمیم‌گیری نهایی به دست مردم» است. در همین راستا مقاله حاضر تلاشی برای بررسی اجمالی ساخت درونی قدرت ملی و نقش مشارکت سازمان یافته مردمی در ایجاد، استقرار و تقویت آن از طریق ارائه یک الگوی مفهومی است. این تحقیق بر اساس هدف، کاربردی توسعه‌ای و به لحاظ روش، پیمایشی و توصیفی است. ابزار و روش گردآوری داده‌ها شامل دو بخش کتابخانه‌ای جهت تهیه ادبیات موضوع و میدانی بر اساس جمع‌بندی مباحث، نقطه نظرات و خرد جمعی خبرگان است. یافته‌ها، نشان می‌دهد اگر مشارکت با سه ویژگی برجسته «سهیم شدن مردم در قدرت (ساخت، استقرار و اعمال)»، «امکان نظارت مردم بر سرنوشت خویش» و «بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم» باشد، می‌تواند موجب اعتلای مسئولیت‌پذیری، اعتماد، تعهد و نهایتاً تاب‌آوری مردم به عنوان ارکان اصلی جامعه شود. در این صورت چنین مردمی می‌توانند جامعه‌ای مولد، منسجم، عقلایی و یادگیرنده را بسازند.

واژگان کلیدی:

مشارکت، مشارکت مردمی، مشارکت سازمان یافته، استحکام ساخت درونی قدرت.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانش دانشگاه عالی دفاع ملی و نویسنده مسئول @Mehran_2a_1404@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام) و مدرس دانشگاه عالی دفاع ملی

۱- مقدمه و بیان مسئله

یکی از صفات اهل ایمان این است که در کارها باهم مشورت می‌کنند، در به دست آوردن رأی درست به مشورت می‌نشینند و از رأی صاحبان نظر و اندیشه، بیشترین بهره را می‌گیرند. مراجعه به آیات قرآن کریم، سیره عملی و احادیث پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله علیه و آله) و امامان معصوم همگی نشان می‌دهد که اصل مشورت به‌ویژه در مقام و امور جمعی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. در آیات شریفه ۳۸ سوره شورا و ۱۵۹ سوره آل عمران، به مشورت در امور امر شده است.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالتَّعَدُّوا»؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری باهم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید.

آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در برمی‌گیرد. اگر این اصل در اجتماعات اسلامی زنده شود و مردم بدون در نظر گرفتن مناسبات شخصی و نژادی و خویشاوندی با کسانی که در کارهای مثبت و سازنده گام بر می‌دارند همکاری کنند و از همکاری کردن با افراد ستمگر و متعدی در هر گروه و طبقه‌ای که باشند، خودداری نمایند، بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی سامان می‌یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۲۵۰). پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله علیه و آله) در امور اجتماعی از آرا و نظرات مردم بهره می‌جست. از امام علی (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمودند: سزاوار انسان خردمند است که رأی خردمندان را بر رأی خویش بیفزاید و دانش و آگاهی خویش را با به دست آوردن دانش حکیمان و دانایان افزون سازد (غررالحکم، الحیات جلد ۱، ص ۳۱۴). این مهم به‌واسطه نقش مهمی است که افراد می‌توانند فراتر از نقش فردی خود ایفا نمایند. از این رو، امام راحل (ره) مردم را به‌عنوان ولی نعمت خطاب می‌نمایند، بنابراین بر حضور و مشارکت فعال و مسئولانه مردم تأکید دارند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مردم و مسئله مردم را مسئله اصلی می‌دانند: «مسئله اصلی ما، مسئله مردم است؛ حضور مردم، میل مردم، اراده مردم، عزم راسخ مردم... در همه تحولات و جنبش‌های گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است؛ یعنی گسترش یک تحول، گسترش یک فکر، گسترش نفوذ یک مصلح اجتماعی، وابسته به این است که با مردم چقدر ارتباط داشته باشد. هرچه ارتباط او و آن جریان و آن جنبش و آن تحول با مردم بیشتر باشد، امکان موفقیت او بیشتر است؛ اگر از مردم منقطع شد،



دیری نخواهد پایید، کاری نخواهد کرد»^۱.

در ادبیات خارجی نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از جوامع تلاش می‌کنند تا به منظور دستیابی به پایداری، اثربخشی سیاست‌ها و توسعه همه‌جانبه، حس مشارکت، مشورت و گفتگو را در میان شهروندان تقویت کنند (شرفی و برک پور، ۱۳۸۹، ص ۷۸). به باور والس و پیچ لر^۲ (۲۰۰۸)، سنت مشارکت، جامعه را زنده و پویا نگه می‌دارد، از این‌رو وجهی ضروری برای جامعه است. از طریق مشارکت، مردم می‌آموزند چگونه به ایفای نقش جمعی خود در قالب تعامل و برقراری ارتباط متقابل با یکدیگر و نظام پردازند. نقشی که در شکل‌گیری مردم‌سالاری تأثیر زیادی دارد.

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک کلان سیستم، همواره و متناسب با شرایط و وضعیت‌های مختلف، با درایت و رهبری حکیمانه امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مردم را در قالب بهترین شکل مشارکت که همانا «سپردن نهایی امور به دست مردم» است راهبری نموده است: «تکته اساسی در انقلاب ما این بود که نقش مردم با پیروزی انقلاب تمام نشد... مردم خودشان هستند که تصمیم می‌گیرند، شرکت می‌کنند، انتخاب می‌کنند؛ کار دست مردم است... امروز به برکت انقلاب اسلامی، مردم می‌دانند کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور هم خود مردم‌اند»^۳

تغییر و تحول و پیچیدگی‌های علمی و فنی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره به‌عنوان یک فرایند دائمی، همواره جامعه را به‌عنوان یک سیستم با مسائل و موضوعاتی درگیر و مواجه می‌سازد که حل این مسائل برای حفظ و بقای تعادل جامعه البته با مشارکت مردم به دلیل برخورداری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها، لازم است. به بیانی دیگر، سیستمی می‌تواند حداکثر اهداف خود را محقق سازد یا حداقل الزامی را حفظ نماید که با درک این واقعیت مهم، مبنی بر همزاد و همیشگی بودن تحولات محیطی، به‌طور دائم آن را پایش نموده و با تصمیم‌گیری و اقدام مناسب و به‌هنگام، حداکثر انتفاع لازم را تحصیل نماید. از این‌رو همواره این سیستم در شرایط «انتخاب» قرار دارد. انتخابی که می‌بایست عقلایی، خردمندانه، مبتنی بر خرد و مشارکت جمعی باشد.

واقعیت این است که اصل انقلاب اسلامی با حضور و مشارکت مسئولانه و سازنده مردم پیروز و حیات‌بخش آن نیز با همین منوال ادامه یافته است. نظریه تشکیل حکومت اسلامی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، شکل‌گیری نهادها و ارگان‌های مردم‌نهاد بعد

۱. بیانات در دیدار مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

2. Wallace and Pichler

۳. بیانات در دیدار مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰



از پیروزی انقلاب اسلامی، از مصادیق بزرگ مشارکت و مردم‌سالاری دینی در دوران معاصر است که توسط امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ارائه گردیده است. امر مقدسی که همواره در مواجهه با شرایط و مقتضیات ناشی از محیط داخلی و بیرونی بر پایه مشارکت فعال و مستقیم ظرفیت جامعه، به شایستگی، راهبری شده است. آنچه مهم است استمرار و استحکام نظام، مبتنی بر ظرفیت‌های درونی، مطالبه‌ای است که همواره از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اعلام شده است. ابتناء نظام بر استفاده از ظرفیت‌های مردم‌نهاد مؤثر، کارآمد و پایدار برای انسجام ملی و مشارکت اجتماعی می‌تواند در ساخت قدرت درونی بااهمیت تلقی شود.

هدف اصلی تحقیق حاضر، ارائه الگوی مفهومی تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام بر مبنای مشارکت اجتماعی است. برای دستیابی به این هدف، سؤال اصلی تحقیق، عبارت است از اینکه الگوی مفهومی مدنظر از چه مؤلفه‌هایی، شامل پیش‌فرض‌ها، پیامدها، چیستی، چرایی و چگونگی تشکیل شده است؟ قطعاً دستاوردهای مطالعه حاضر، ضمن تقویت مبانی و انگاره‌های دانشی جامعه علمی و مدیریتی، در انتخاب رویکردهای مناسب و نوین برای استفاده بهتر از ظرفیت‌های درونی جامعه در قالب مشارکت برای تحقق مطالبات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در عرصه‌های مختلف استحکام ساخت درونی قدرت نظام، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نهضت علمی و نظایر آن کمک می‌کند.

۲- ادبیات نظری و پیشینه موضوع

۲-۱- تعاریف و ادبیات نظری مشارکت

۲-۱-۱- مشارکت:

مشارکت تعهدی، فعالانه، آزادانه و مسئولانه است که به‌عنوان یکی از سازوکارهای اعمال قدرت از درون جامعه برمی‌خیزد (آکرویک، ۲۰۰۶). در معنایی دیگر، آرنشتاین^۴ مشارکت را فرآیند سهیم شدن مردم در قدرت، جهت تأثیرگذاری بر رفتار دولت و نظام می‌داند. به باور وی، مشارکت توزیع مجدد قدرت است که در سطوح مختلف، اتفاق می‌افتد. فرآیند مشارکت، به‌عنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی، کاهش تعارضات گروهی، از بین بردن فرهنگ حاشیه‌نشینی، شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت‌ها، بسط ارزش‌های دموکراتیک، سهیم شدن در منابع و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری همراه است (نیازی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹).



«مشارکت» در لغت به معنای «شریک ساختن»، «شرکت دادن» هست؛ بنابراین کسی که مشارکت می‌کند به این معناست که برای شرکت کردن در کاری با دیگران همراهی و همکاری می‌نماید. مشارکت فرآیندی است که از مداخله داوطلبانه همگان در همه اموری که به آن‌ها مربوط می‌شود و تمایل و توانایی اظهار نظر، انتخاب و انتقاد در آن امور را دارند، می‌داند (ملک زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۷). مشارکت فراگردی است که از راه آن مردم به دگرگونی دست می‌یابند و دگرگونی را در خود پدید می‌آورند. مشارکت در چنین مفهومی، بر رشد شخصیت انسانی تأکید نموده و به عنوان راهبردی به شمار می‌آید که فرصت‌های نیکویی می‌آفریند تا مردم برای از میان برداشتن دشواری‌ها و گشودن مرزهای بسته به راه‌های تازه دست پیدا کنند (نیازی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰). فرآیند مشارکت به صورت فراگرد توانمندسازی، به سه ارزش بنیادی سهیم کردن مردم در قدرت، راه دادن به مردم به نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم تأکید دارد؛ بنابراین یکی از بارزترین جنبه‌های مشارکت، از میان برداشتن حاشیه‌نشینی و شکوفا نمودن نیروی ابتکار و خلاقیت افراد جامعه است.

۲-۱-۲- گونه شناسی مشارکت:

مشارکت را به روش‌های گوناگون تقسیم‌بندی کرده‌اند. یکی از دسته‌بندی‌های مهم بر مبنای «هدف» مشارکت، توسط «انجمن بین‌المللی برای مشارکت عمومی»^۱ (۲۰۰۷) به شرح زیر بیان شده است (دیویس و سیمون^۲، ۲۰۱۳، ص ۶).

جدول شماره ۱- گونه شناسی مشارکت بر اساس دیدگاه انجمن بین‌المللی برای مشارکت عمومی (دیویس و سیمون، ۲۰۱۳، ص ۶)

نوع مشارکت	اطلاع‌رسانی ^۳	مشورت ^۴	دخالت ^۵	همکاری ^۶	توانمندسازی ^۷
اهداف مشارکت عمومی	اطلاع‌رسانی مردم در خصوص درک مشکلات، جایگزین‌ها، فرصت‌ها و نیز راه‌حل‌ها	دریافت بازخورد از تحلیل‌ها، جایگزین‌ها و تصمیم‌گیری‌ها	اقدام مستقیم با مردم از طریق فرآیندهایی برای اطمینان از اینکه نگرانی‌ها و خواسته‌ها به درستی درک و در نظر گرفته شده‌اند	همکاری عموم در هر جنبه از تصمیم‌گیری شامل شناسایی راه‌حل‌های بهینه و گسترش جایگزین‌ها	سپردن تصمیم‌گیری نهایی به دست مردم

1. International Association for Public Participation
2. Davies and Simon
3. Inform
4. Consult
5. Involve
6. Collaborate
7. Empower



در یک دسته‌بندی دیگری از «تعریف»، انواع مشارکت به شرح زیر بیان شده است (منظمی تبار، ۱۳۸۵).

جدول شماره ۲- گونه‌شناسی مشارکت بر اساس دیدگاه «تعریف» (منظمی تبار، ۱۳۸۵)

نوع شناسی	ویژگی‌ها
انفعالی	مردم مشارکت می‌کنند درحالی‌که نمی‌دانند چرا. در این نوع مشارکت مدیران پروژه نسبت به مسئله آگاهی دارند و برنامه را اجرا می‌کنند، بدون آنکه به پاسخ مردم گوش دهند. اطلاعاتی که در میان گذاشته می‌شود، تنها متعلق به متخصصان حرفه‌ای است.
دادن اطلاعات	مردم در این نوع مشارکت فقط اطلاعات لازم را در اختیار محققان و مدیران قرار می‌دهند. در این شرایط مردم فرصت نمی‌یابند که بر جریان تأثیر بگذارند، زیرا یافته‌ها در اختیارشان قرار نمی‌گیرد و صحت آن‌ها هم واریسی نمی‌شود.
از طریق مشورت	در این مشارکت، مردم از طریق مشورت، اطلاعات را در اختیار مدیران قرار می‌دهند. مدیران، مسائل و راه‌حل‌ها را مشخص می‌کنند. این فرآیند مشاوره‌ای، هیچ سهمی در تصمیم‌گیری به مردم نمی‌دهد و متخصصان حرفه‌ای، هیچ اجباری ندارند تا نظر مردم را به‌شورا بپسند.
برای انگیزه‌های مادی	مردم نیروی کار را در اختیار مجریان قرار داده و در مقابل پول دریافت می‌کنند. بیشتر تحقیقات مزرعه‌ای در این طبقه جای می‌گیرند، زیرا کشاورزان، مزرعه را در اختیار می‌گذارند، اما در آزمایش یا فرآیند یادگیری دخالت نمی‌کنند.
کارکردی	مردم از طریق تشکیل گروه‌ها و نهادها با اهداف مشخصی در فعالیت‌ها شرکت می‌کنند.
تعاملی	مردم در تجزیه و تحلیل مسائل مشارکت می‌کنند. این شیوه مشارکت در نهایت منجر به اجرای طرح‌های عملی می‌شود. در این شیوه، مردم در اجرای فعالیت‌ها سهیم بوده و نقش مؤثری ایفا می‌کنند.
بسیجی	در این شیوه، مردم به‌صورت خودابته‌کاری و جمعی وارد عمل می‌شوند.

۲-۱-۳- نظریه‌های مشارکت

تاکنون نظریه‌های متعددی در زمینه مشارکت ارائه شده است. از آن جمله می‌توان به نظریه مشارکتی جان ترنر^۱، جیمز میجلی^۲ (۱۹۸۶)، دیویدسون^۳ (۱۹۹۸)، ارنشتاین^۴ (۱۹۹۶) و مواردی دیگر اشاره نمود.

الف) نظریه مشارکتی جان ترنر

تحقیقات ترنر که با محوریت رابطه دولت‌های مرکزی و مردم صورت گرفته، نشان می‌دهد، هنگامی که دولت در امور اجتماعی محلی دخالت می‌کند، به بیانی دیگر، اراده‌ای برای مردم تعریف نمی‌کند، هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته

1. John turner
2. James Midgley
3. Scott Davidson
4. Sherry Arnstein



است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی، توان و امکانات آن نیز از دست می‌رود. وی با طبقه‌بندی اصولی انواع مشارکت در جدول معروف خود، کمک شایانی به شکل‌گیری نظریه مشارکت کرده است. خلاصه‌ای از نظریه وی عبارت است از:

جدول شماره ۳- خلاصه نظریه مشارکتی ترنر (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۸)

حالت‌ها	وضعیت	مصادیق
اول	دولت مقتدر، متمرکز و ثروتمند است، لذا هیچ نیازی به مشارکت مردم ندارد.	اکثر کشورهای عربی
دوم	دولت مقتدر و متمرکز است، اما ثروتمند نیست. در خصوص نوع رابطه با مردم، به‌زور یا به تشویق از مردم می‌خواهد در امور به‌طور رایگان مشارکت کنند و یا اینکه با اهداء پول یاری برسانند.	برخی از کشورهای اروپای شرقی
سوم	دولت تابع تصمیم‌گیری مردم در تمام اموری است که مربوط به آن‌ها می‌شود.	کشورهای اسکاندیناوی
چهارم	دولت دخالتی در امور محلی ندارد. مردم از طریق ارگان‌های مردمی، امور را مدیریت می‌کنند.	شمال اروپا و آمریکای شمالی

ب) نظریه مشارکتی جیمز میجلی

بر اساس پاسخ دولت‌ها به مشارکت، میجلی، آن را به چهار نوع زیر تقسیم می‌کند (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴، ص ۱۸):

۱) شیوه ضد مشارکتی: طرفداران این عقیده معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند. حکومت اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آن‌ها تعارض پیدا کند، نمی‌دهد.

۲) شیوه مشارکت هدایت‌کننده: در این شیوه، دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه‌های پنهانی، حمایت می‌کند. غالباً دولت‌ها با بهره‌گیری از شیوه‌های مشارکت هدایت‌شده، اهداف زیر را دنبال می‌کنند:

- استفاده ابزاری از مشارکت برای اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مدنظر؛
- کنترل جنبش‌ها و اجتماعات محلی؛
- استفاده از جاذبه‌های مشارکت برای کسب مشروعیت سیاسی اجتماعی.

۳) شیوه مشارکت فزاینده: شیوه برخورد دولت با مشارکت به شکلی دوگانه است. به‌گونه‌ای که با وجود حمایت از آن در موضع‌گیری‌های رسمی، عملاً هیچ اقدام مؤثری در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی انجام نمی‌دهد.

۴) شیوه مشارکت واقعی: در این شیوه، دولت به‌طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد سازوکارهایی برای ورود مؤثر اجتماعی محلی در



تمامی زمینه‌ها، تلاش می‌کند. بر این اساس دولت متعهد به هماهنگ و هم‌راستاسازی فعالیت‌های مشارکتی از طریق آموزش، توانمندسازی، ایجاد ظرفیت و نظایر آن است.

ج) نظریه مشارکتی شری ارنشتاین

ارنشتاین بر این باور است که مشارکت، اساساً با تعبیر توزیع قدرت به کار گرفته می‌شود. بر این مبنا، مشارکت بدون توزیع مجدد قدرت فرایندی پوچ و ناامیدکننده برای محرومان از قدرت است. (دیویس و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۹). نردبان مشارکت ارنشتاین دارای ۸ پله است که از یک‌سو به «فریبکاری» و از سوی دیگر تا «اختیار شهروندان» ادامه می‌یابد. امری که به معنای سهیم بودن مردم در قدرت و جریان آن است. بر اساس پله‌های مدنظر ارنشتاین، وضعیت و کیفیت افراد در خصوص مشارکت را می‌توان به سه دسته «محرومین از مشارکت»، «مشارکت جزئی» و «مشارکت واقعی» تقسیم‌بندی نمود (شرفی و برگ پور، ۱۳۸۹، ص ۹۵).

د) نظریه مشارکتی اسکات دیوید سون

اسکات دیوید سون، گردونه مشارکت خود را برای بحث مشارکت شهروندی طراحی کرد. این گردونه، سطوح مختلفی از مشارکت را بدون این که ترجیحی برای هر یک قائل شود، ارائه می‌کند. در این مدل، تصمیم‌گیری در تعاملی مستمر بین دولت و شهروندان صورت می‌گیرد. هرچند که دیوید سون برای سطوحی که برای مشارکت بیان می‌کند، تقدم و تأخر خاصی قائل نیست و اساساً به همین دلیل از استعاره گردونه به جای نردبان استفاده می‌کند، اما به هر حال سطوح چهارگانه‌ای برای مشارکت در نظر دارد که شامل اطلاع‌رسانی، مشاوره، مشارکت و توانمندسازی است.

جدول شماره ۴- خلاصه نظریه‌های مشارکتی (شرفی و برگ پور، ۱۳۸۹، ص ۹۵)

حلقه مشارکت	گستره پنج سطحی	پریسکولی	زنجیره مشارکت	دشلر و شوک	برنز	بسته مشارکت	نردبان مشارکت	
-	-	-	-	مطیع سازی	-	-	فریبکاری	محروریت از مشارکت
-	-	-	-	-	-	-	درمان	
	آگاهی رسانی	آگاهی رسانی	دانش در مورد تصمیمات	تبادل اطلاعات	-	انتشار اطلاعات	اطلاع رسانی	مشارکت جزئی
	گوش دادن به مردم	مشورت	شنیدن دیدگاه‌ها پیش از تصمیمات	مشاوره	یاری و همکاری	دریافت بازخوردها	مشاوره	
	درگیر کردن مردم				-		ادراک	



توافق عمومی	درگیر کردن مردم	تأثیرگذاری بر تصمیمات	تعهد/ گفتگو	-	تصمیم سازی	تعامل مردم و برنامه ریزان	شراکت	مشارکت واقعی
-	همکاری با مردم	تصمیم سازی و موافقت با تصمیمات	تصمیمات شراکتی	همکاری کردن	اجرا		قدرت تفویضی	
-	توانمند سازی	-	قدرت شراکتی	نظارت شهروندی			اختیار شهروندان	

۵) نظریه شراکتی و مشارکتی

نظریه پردازان اخیر بر این باورند که در همه نظریه‌های مشارکتی عملاً اذعان به این مهم وجود دارد که امکان مشارکت امری از بالا به پایین و به عبارتی بخشش از نظام و دولت به مردم است؛ بنابراین آن‌ها از نظریه شراکت^۱ به جای نظریه مشارکت^۲ دفاع می‌کنند. بر اساس نظریه شراکت، دولت و مردم شرکایی هستند که با یکدیگر تقسیم کار می‌کند. دولت مردم مانند دو شریک دارای منابع مشترک و با حقوق و اختیارات معین در کلیه کارهای مربوط به اداره امور جامعه، دوش به دوش همدیگر و هماهنگ با یکدیگر، فعالیت می‌کنند. در نظریه شراکت دولت و مردم باهم کار می‌کنند. آن چراکه مردم نمی‌توانند فراهم کند و یا درباره آن تصمیم بگیرند، دولت فراهم می‌کند و یا برای آن تصمیم می‌گیرد و هم‌زمان مردم در چارچوب تشکیلات اجتماعی هر آنچه می‌توانند فراهم می‌کنند و در مورد هر آنچه بخواهند و بتوانند تصمیم می‌گیرند.

۲-۱-۴- کارکردهای مشارکت مردم در اجتماع

از دیدگاه اصل مشارکت، همه افراد در مورد اموری که مربوط به خودشان است، اعم از امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، احساس مسئولیت می‌نمایند و حق دارند در مورد آن‌ها فکر کنند و اندیشه خود را آزادانه بیان نمایند. چنین مشارکتی از ایستادگی مردم در برابر دگرگونی، نوسازی و تحول جوامع می‌کاهد و باعث رشد و توسعه جامعه می‌گردد. «تحقیقات روان‌شناختی نشان داده است که هرگاه مردم فرصت بیان اندیشه‌های خود را بیابند و در تصمیمی که بر سر نوشت آن‌ها اثر می‌گذارد شریک شوند، خلاقیت و نوآفرینی آنان با احساس مسئولیت بیشتری افزایش می‌یابد چنین دیدگاهی که بر مشارکت مردم تأکید دارد به نحو چشم‌گیری نه تنها می‌تواند بر توفیق یک برنامه اجتماعی صحنه گذارد، بلکه فواید دیگری نیز، از جمله جذب سرمایه، نیروی انسانی متعهد، بهره‌وری، احساس مسئولیت بالا، نوآوری، مقاومت در

1. Partnership
2. Participation



برابر مشکلات، افزایش فرهنگ تحمل و مدارا، دوری از انزوا، به جریان افتادن سرمایه را در بر داشته باشد. برخی از کارکردهای مشارکت عبارت‌اند از:

- فراهم نمودن احساس مالکیت برای مردم؛
- بازگشودن فرصت‌های پیشرفت بر روی مردم؛
- توزیع قدرت در بین مردم و سهیم کردن آنان در اختیارات و تصمیم‌گیری‌ها؛
- اجازه دادن به مردم برای نظارت بر امور تأثیرگذار بر سرنوشت آنان؛
- برابری مردمان و برخورداری از حقوق شهروندی؛
- ایجاد فرصت‌های برابر برای پیشرفت همه مردم، به‌ویژه گروه‌های پایین جامعه (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

۲-۲- استحکام ساخت درونی

از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، «استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به‌سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد به جوامع می‌دهد». ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «ساخت درونی نظام؛ یعنی این که کشور بتواند روی پای خود بایستد و بتواند عزت و سرافرازی خود را در وابستگی به دیگران تعریف نکند». بر این اساس، می‌توان گفت، استحکام ساخت درونی نظام، نیرویی است که یک جامعه متشکل از عناصر و اجزاء مختلف و متعدد آن را به‌عنوان سیستم یا ساختار در کنار یکدیگر حفظ می‌کند تا بتواند به مطلوبیت ذاتی خود که همانا توانایی مقابله با ستیز محیط است دست یابد.

رصد بیانات، فرمایش‌ها و تدابیر ابلاغی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد همواره بر تحکیم ساخت درونی نظام و تقویت اقتدار درون‌زا با محوریت مردم تأکید نموده‌اند: «توصیه‌ام به مسئولان این است که برای رفع مشکلات کشور به نیروی درونی کشور توجه کنند و نباید چشم به بیرون دوخت» و یا اینکه در جایی دیگر می‌فرمایند: «... درس بزرگی که ما از این فشارهای اقتصادی دریافت کردیم، این است که هر چه می‌توانیم، باید به استحکام ساخت داخلی قدرت بپردازیم؛ هر چه می‌توانیم، در درون، خودمان را مقتدر کنیم؛ دل به بیرون نبندیم. آن‌هایی که دل به بیرون ظرفیت ملت ایران می‌بندند، وقتی با یک چنین مشکلاتی مواجه شوند، خلع سلاح خواهند شد. ظرفیت‌های ملت ایران خیلی زیاد است. ما باید بپردازیم به استحکام ساخت درونی اقتدار ملی». در جدول شماره ۵ منتخبی از

۱. بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۳۹/۰۴/۸

۲. بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران



مصادیق تذکر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به مسئولین دولتی مبنی بر توجه به «ظرفیت‌های درونی و نیروی مردم» مرور شده است.

جدول شماره ۵- منتخبی از توصیه‌های رهبر انقلاب مبنی بر توجه به استعداد‌های ملت ایران
(منبع: سایت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی))

ردیف	اصل فرمایش	مستند
۱	آن‌هایی که دل به بیرون ظرفیت ملت ایران می‌بندند، وقتی با یک چنین مشکلاتی [فشار و تحریم] مواجه شوند، خلع سلاح خواهند شد.	مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۱۳۹۲/۰۵/۱۲
۲	نگاهمان به بیرون نباشد. این، توصیه ماست. نمی‌شود از دشمن انتظار دوستی و محبت و صمیمیت داشت. نمی‌گوییم از این‌ها استفاده نکنید، اما می‌گوییم اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید. کلید حل مشکلات اینجا است؛ یعنی در درون کشور و امکانات داخلی کشور.	دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۹۲/۰۶/۰۶
۳	بعضی می‌خواهند مشکلات را با تکیه به دیگران، با رشوه دادن و تذلّل در مقابل دیگران حل کنند؛ بعضی‌ها هم نه، می‌خواهند مشکلات را با توان داخلی خودشان حل کنند، اعتقادمان این است که باید از درون، خودمان را تقویت کنیم. این اساس کار است.	دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۹۲/۰۶/۱۴
۴	مکرّر عرض کرده‌ایم: ساخت اقتدار درونی ملت که در درجه اول با ایمان صحیح و راسخ و با اتحاد آحاد مردم و با عمل درست مسئولین کشور و با همراهی مسئولان و آحاد مردم و با توکل به خدای متعال انجام خواهد گرفت.	دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۲/۰۶/۲۰
۵	«نگاه خوش‌بینانه به استعداد بومی کشور» بایستی جدی باشد، استعدادها پرورش پیدا کند؛ این‌ها پایه‌های اصلی کار است. وقتی کشوری با تکیه به استعداد‌های درونی، با تکیه به ابتکار نیروی انسانی خود، با تکیه به ایمان خود و با اتحاد حرکت می‌کند، قطعاً به نتایج مطلوب خواهد رسید.	دیدار فرماندهان سپاه ۱۳۹۲/۰۶/۲۶
۶	آنچه برای نظام جمهوری اسلامی حائز اهمیت است، استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی است، استحکام درونی ملت ایران است.	مراسم تحلیف دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۹۲/۰۷/۱۳
۷	همه حرف ما با مسئولین - چه مسئولین گذشته، چه مسئولین امروز - همین است که باید برای گشایش مسائل کشور و مشکلات کشور، از جمله مشکلات اقتصادی، نگاه به درون باشد.	بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۲/۰۸/۱۲
۸	ملت توجّه داشته باشد. ببینند که باید یک کشور اقتدار درونی خود را حفظ کند؛ این توصیه همیشه ما به مسئولین است. مشکلات کشور را تنها یک چیز حل می‌کند، آن‌هم عبارت است از نگاه به ظرفیت‌های درونی	بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۲/۱۱/۱۹



ردیف	اصل فرمایش	مستند
۹	علاج مقابله با این دشمنی [آمریکا] هم فقط یک چیز است و آن، تکیه به توان داخلی [است].	بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۱۳۹۲/۱۱/۲۸
۱۰	این مسئله هسته‌ای و این مذاکرات اگر ان‌شاءالله به نقطه حلی برسد، باز خواهید دید همین فشارها وجود خواهد داشت، باید در مقابل این فشارها مصونیت سازی کرد، باید به بنای داخلی استحکام بخشی کرد.	جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰
۱۱	ستون فقرات اقتصاد مقاومتی تولید داخلی است. تولید داخلی اگر بخواهد رونق پیدا بکند یقیناً باید، هم به آن کمک تزریق بشود، هم از چیزهایی که مانع رشد آن است جلوگیری بشود.	بازدید از گروه صنعتی مینا ۱۳۹۳/۰۲/۱۰
۱۲	اقتصاد مقاومتی یعنی ما اگر به نیروی داخلی، به ابتکار جوان‌ها، به فعالیت ذهن‌ها و بازوها در داخل، تکیه کنیم و اعتماد کنیم، از فخر و منت دشمنان خارجی، خودمان را رها خواهیم کرد؛ راه درست این است. هر جایی که ما به ابتکار و استعداد جوانانمان تکیه کردیم، آنجا ناگهان مثل چشمه‌ای جوشید، شکوفا شد.	دیدار مردم استان ایلام ۱۳۹۳/۰۲/۲۳
۱۳	علاج مشکلات کشور، اقتصاد مقاومتی است. علاج مشکلات کشور را بیرون از این مرزها نمی‌شود پیدا کرد. کار نکنند ... معتقدیم آن چیزی که علاج مشکلات کشور است، در درون کشور است، در درون وجود من و شما است.	دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۳/۰۳/۰۴
۱۴	به مسئولین دولت عرض می‌کنم: اقتصاد مقاومتی را جدی بگیرید... در اقتصاد مقاومتی تکیه بر تولید داخلی است، بر استحکام بنیه درونی اقتصاد است.	دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۳/۰۴/۱۶
۱۵	کلید رونق اقتصادی که مورد تأکید رئیس‌جمهور محترم نیز است، مسئله تولید است. باید با استفاده از ظرفیت‌های فراوان داخلی، تولید را به حرکت درآورد.	دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۹۳/۰۶/۰۵
۱۶	کشور باید با نیروی درونی اداره بشود؛ یعنی با استعدادهای درونی ما، نیروی انسانی ما، هوش جوانان ما، با این‌ها باید اداره بشود؛ اگر این شد، هیچ قدرتی در دنیا قادر نخواهد بود که سرنوشت اقتصادی کشور را در دست بگیرد و ملعبه خودش قرار بدهد.	در دیدار با نخبگان جوان ۱۳۹۳/۰۷/۳۰
۱۷	کشور را باید قوی کنیم. تقویت کشور متوقف است بر استفاده از همه ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که ما در داخل کشور و در بیرون کشور داریم.	دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۰۶/۱۳
۱۸	دستگاه‌های دولتی در بخش‌های مختلف به این مسائل اقتصادی توجه کنند و از بسیج هم کمک بگیرند. همان‌طور که قبلاً گفتیم که پایه اقتصاد مقاومتی عبارت است از تقویت تولید داخلی و کاهش وارداتی که یا غیر ضروری است یا مشابه داخلی دارد.	دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۰۹/۰۶



ردیف	اصل فرمایش	مستند
۱۹	از جمله بزرگ‌ترین مسئولیت‌های مسئولین کشور همین است که کاری کنند اگر دشمن دلش نخواست تحریم را بردارد، به رونق کشور و پیشرفت کشور و رفاه مردم ضربه‌ای وارد نشود؛ راه آن چیست. راه آن این است که مراجعه کنیم به درون کشور، از نیروهای درونی کشور استفاده کنیم	بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۷
۲۰	تلاش مسئولین برای این است که حربه تحریم را از دست دشمن غدار بیرون بیاورند. البته اگر نتوانستند چه بهتر [اما] اگر نتوانستند همه بدانند، در داخل راهکارهای فراوانی وجود دارد که حربه دشمن را کند می‌کند. ما اگر به داشته‌های خودمان درست توجه کنیم می‌توان حربه تحریم را کند کرد.	دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوایی ۱۳۹۳/۱۱/۱۹
۲۱	اگر در کشور اقتصاد مقاومتی باشد، هیچ کدام از این تکانه‌های بین‌المللی نمی‌تواند به زندگی مردم آسیب وارد کند. اقتصاد مقاومتی یعنی این؛ یعنی در داخل کشور، ساخت اقتصادی و بنای اقتصادی جوری باشد که از نیروهای مردم استفاده بشود، کمک واقعی گرفته بشود، برنامه ریزی بشود، بنای اقتصادی استحکام پیدا کند.	بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

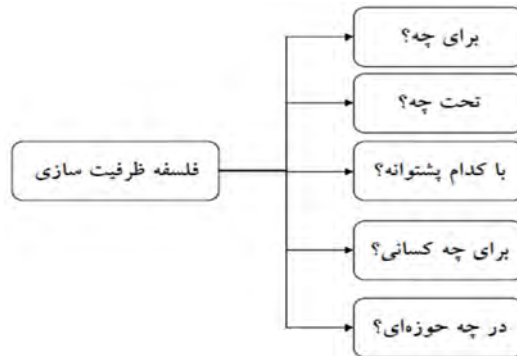
۲-۳- ظرفیت اجتماعی

برخی محققان بر این باورند که ظرفیت اجتماعی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای حمایت از مسائل مرتبط با ساختارهای پیش روی اجتماعی و انسانی، ابزار اجتماعی برنامه‌ریزی و ابزاری جهت توانمندسازی به کار رود (رفعیان و دیگران، ۱۳۹۳). ظرفیت‌سازی برای استفاده مؤثر از امکانات و فرصت‌ها جهت مدیریت منابع و استفاده از سرمایه اجتماعی و رویکردی راهبردی و بلندمدت است که تحت چارچوب یک شبکه منسجم دست‌یافتنی است (محمدی، ۱۳۸۸). ظرفیت‌سازی ارتقاء و توسعه توانایی‌ها در راستای سنجش و ارزیابی و همچنین پاسخ به نیازهای مبتلا به کشور از طریق درک صحیح سیاست‌ها و الگوهای بهینه توسعه است. بر اساس تعریف ارائه‌شده از UNDP، ظرفیت‌سازی عبارت است از فعالیت‌ها، منابع و حمایت‌هایی که مهارت‌ها و توانمندی‌های جامعه را در راستای توسعه جوامع تقویت نماید. ظرفیت‌سازی، فعالیتی است که توانایی فردی و جمعی را برای رشد و توسعه افزایش می‌دهد (ویلیامسون و همکاران، ۲۰۰۳). از این‌رو در سایه ظرفیت‌سازی اجتماعی، طیف وسیعی از حمایت‌ها و فنون که هدف آن‌ها توانمندسازی افراد برای مشارکت فعال و بهره‌وری بهینه برنامه‌ها است صورت می‌گیرد.

توسعه اجتماع محور، به‌مثابه فرآیند و ابزار ارتقاء مشارکت مردمی و برقراری حکمرانی خوب و تلاش برای ارتقاء زندگی بیش از همه از طریق ارتقاء ظرفیت فردی، خانوادگی و اجتماع محلی دست‌یافتنی است (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۹۳). از این‌رو در



یک نگاه اجمالی فلسفه ظرفیت‌سازی را می‌توان به‌صورت شکل زیر ترسیم نمود.



شکل شماره ۱- فلسفه ظرفیت‌سازی (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱)

سطوح فردی، سازمانی و اجتماعی، سه سطح ظرفیت‌سازی هستند. بالاترین سطح ظرفیت‌سازی، سطح اجتماعی است یعنی سطح محیطی که توسعه ملی در متن آن آغاز می‌شود. فرآیند ظرفیت‌سازی اجتماعی به‌گونه‌ای است که دربرگیرنده کل کشور و جامعه و تمام زیر بخش‌های آن می‌گردد. مدیریت کارآمد و توانا، استعدادها بالقوه، تعادل زمانی، ارتباطات تخصصی، ارزیابی و نظارت از مهم‌ترین عوامل موفقیت در ظرفیت‌سازی است.

کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل متحد (۱۹۹۶)، ظرفیت‌سازی را چنین تعریف نموده است: «ظرفیت‌سازی با دامنه گسترده‌ای از مفاهیم در ابعاد انسانی، فنی، مالی، علمی، فرهنگی و نهادی مرتبط است. به عبارتی دقیق، فرآیندی است که در آن دولت‌ها و نهادها و اجتماعی محلی، مهارت و دانش خود را در زمینه مدیریت منابع به‌نحوی که پایداری در فعالیت‌های خود را افزایش می‌دهند». برخی از محورهای اساسی این تعریف عبارت‌اند از:

- توانمندسازی مردم برای تأمین نیازهای خود به نحو پایدار از طریق ارتقاء آموزش و مهارت‌ها؛
- به‌کارگیری رویکردهای چندجانبه در برنامه‌ریزی و اجرای آن؛
- تأکید بر تحول و نوآوری نهادی و فنی؛
- تأکید بر تقویت و استفاده از سرمایه‌های اجتماعی؛
- تأکید بر توسعه و به‌کارگیری مهارت‌های جمعی و فردی. (مک گن تی و کوک، ۲۰۰۲)



بلانچارد (۲۰۰۳) معتقد است بسیاری به توانمندسازی از این دیدگاه می‌نگرند که به افراد قدرت تصمیم‌گیری می‌دهد. بسیاری از افراد نیز منظور از توانمندسازی را کسب آزادی بی‌قید و شرط برای اجرای هر کار می‌دانند. توانمندسازی، آزاد کردن نیروی درونی افراد برای کسب دستاوردهای شگفت‌انگیز است. توانمندسازی به معنای قدرت بخشیدن است و این یعنی به افراد کمک شود تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود بخشند؛ بر ناتوانی یا درماندگی خود چیره شوند؛ در آن‌ها شور و شوق فعالیت ایجاد و انگیزه‌های درونی آنان برای انجام وظیفه بسیج شود. توانمندسازی فرآیند توسعه است، فرآیندی که باعث افزایش توان افراد برای حل مشکل ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی آنان شده به گونه‌ای که قادر می‌شوند تا عوامل محیطی را شناسایی کرده و تحت کنترل خود درآورند. توانمندسازی، یعنی اینکه افراد بتوانند به خوبی وظایف خود را درک کنند، پیش از آنکه به آنان گفته شود چه کار کنند. توانمندسازی، فرآیند پیوسته‌ای است که بر اساس آن افراد یک جامعه از نوعی خود اعتمادی برخوردار شوند و قادر به ارزیابی درست و شناخت واقعی خویش باشند و از توانایی‌ها و قابلیت‌ها، برای رسیدن به هدف‌های خود آگاه شوند و بتوانند با افزایش توانمندی خود به هدف‌های مورد نظر دست یابند (قلی پور و رحیمیان، ۱۳۸۸).

در مورد عوامل مؤثر و تشکیل دهنده توانمندسازی نظریات متفاوتی وجود دارد. در اکثر تحقیقات چهار بعد برای توانمندسازی به صورت مشترک و مشابه دیده می‌شود (نفری و امیدفرد، ۱۳۸۹):

- ۱) احساس خود اثربخشی (احساس شایستگی): وقتی افراد، توانمند می‌شوند احساس خود اثربخشی می‌کنند یا احساس می‌کنند که قابلیت و تبحر لازم برای انجام موفقیت‌آمیز کاری را دارند. افراد توانمند نه تنها احساس شایستگی، بلکه احساس اطمینان می‌کنند که می‌توانند کار را با کفایت انجام دهند. آنان احساس برتری شخصی کرده و معتقدند می‌توانند برای رویارویی با چالش‌های تازه بیاموزند و رشد یابند؛
- ۲) احساس خودسامانی (احساس داشتن حق انتخاب): افراد توانمند احساس خودسامانی می‌کنند. احساس فرد در مورد حق انتخاب و پیش قدمی در تنظیم فعالیت‌ها بیانگر استقلال و استمرار فرآیندها است؛
- ۳) پذیرفتن شخصی نتیجه (احساس مؤثر بودن): عبارت است از میزان توانایی نفوذ فرد در پیامدهای راهبردی، اداری یا عملیاتی فعالیت‌های کاری خود.
- ۴) احساس معنی دار بودن (ارزشمند بودن): معنی دار بودن شامل تطابق بین



الزامات نقش با اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای فردی است. افراد توانمند احساس معنی‌دار بودن می‌کنند و برای اهدافی که به آن اشتغال دارند، ارزش قائل هستند. بین آرمان‌ها و استانداردهای آنان با آنچه در حال انجام هست، تجانس وجود دارد و این فعالیت در نظام ارزشی آن‌ها مهم تلقی می‌شود (ابطحی و عباسی، ۱۳۸۶).

۲-۵- تاب‌آوری ملی

در فرهنگ لغت آکسفورد، از رویکرد مهندسی، تاب‌آوری توانایی ماده یا شیء در بازگشت به حالت اولیه و از رویکرد روان‌شناسی، ظرفیت بازیابی سریع افراد در مواجهه با مشکلات، معنی شده که هم‌خانواده با انعطاف‌پذیری، سازگاری، مقاومت، پایداری، سختی و دوام نیز معرفی شده است. در حوزه روان‌شناختی، تاب‌آوری به معنای توانایی افراد در تطبیق مناسب با شرایط تنش‌زا و دشواری‌ها نیز تعریف شده است (آقامحمدی و غیاثوند، ۱۳۹۳، ص ۶). تاب‌آوری توانایی قوی شدن، سالم شدن و موفق شدن مجدد بعد از یک رخداد تعریف شده است. به باور هالینگ (۱۹۷۳)، تاب‌آوری توانایی سیستم‌ها در جذب تغییرات و ایستادگی در مقابل آن‌ها است (آقامحمدی و غیاثوند، ۱۳۹۳، ص ۷)

مفهوم تاب‌آوری در سطوح مختلفی از گروه‌ها و کشورها می‌تواند به کار گرفته شود. در تعریف کاربردی از کشور تاب آور، داشتن قابلیت‌های زیر مطرح شده است:

- سازگاری و انطباق با تغییر موقعیت‌ها؛
 - تاب آوردن در مواجهه با مخاطرات ناگهانی؛
 - برگشتن به تعادل مناسب (خواه تعادل پیشین یا یک تعادل جدید) یا توانایی برگشت به حالت طبیعی به گونه‌ای که کارکرد خود را به صورت مستمر حفظ نماید.
- ارزیابی یک سیستم، با بهره‌گیری از پنج مؤلفه تاب‌آوری؛ شامل «استحکام»، «فراوانی»، «باتدبیر بودن»، «واکنش» و «بازیابی» صورت می‌گیرد. این مؤلفه‌ها به دو دسته کلی زیر، قابل تقسیم بندی هستند (آقامحمدی و غیاثوند، ۱۳۹۳، ص ۱۴):
- مؤلفه‌هایی که بر ویژگی تاب‌آوری دلالت دارند؛ مانند استحکام، فراوانی و باتدبیر بودن؛
 - مؤلفه‌هایی که بر ارزیابی عملکرد تاب‌آوری دلالت دارند؛ مانند واکنش و بازیابی.
- ۱) استحکام: به توانایی جذب و تاب آوردن در مقابل آشفتگی‌ها و بحران‌ها اشاره دارد.



۲) فراوانی^۱: داشتن ظرفیت اضافی و سیستم‌های پشتیبانی است که در صورت بروز آشفتگی‌ها، امکان حفظ کارکردهای محوری را می‌دهد.

۳) باندبیر بودن^۲: به معنی توان سازگاری با بحران، انعطاف در پاسخ‌دهی و در صورت امکان تبدیل پیامدهای منفی به پیامدهای مثبت است. مفروض این مؤلفه، داشتن اعتماد، توانمندی در خود، سازمان‌دهی، واکنش خودجوش و نهایتاً یافتن راه‌حل و چاره حل چالش‌های پیش‌بینی‌نشده است.

۴) واکنش^۳: توانایی بسیج کردن سریع نیروها در برابر بحران، واکنش نامیده می‌شود. این مؤلفه، تاب‌آوری این موضوع را ارزیابی می‌کند که آیا یک جامعه، برای گردآوری اطلاعات از همه بخش‌ها و مخبره داده‌ها و اطلاعات موضوعیت‌دار به دیگران، روش‌های مناسبی در اختیار دارد و نیز آیا تصمیم‌سازان، توانایی تشخیص سریع مشکلات در حال ظهور را دارند یا خیر. مشارکت فراگیر، مصداق بارز این مؤلفه است.

۵) بازیابی^۴: توانایی برگرداندن سیستم به کارکرد طبیعی خود پس از یک بحران یا حادثه را بازیابی می‌گویند. از جمله توانایی سیستم برای تاب‌آوری، انطباق‌پذیری و نیز تکامل تدریجی برای تعامل با محیط جدید یا تغییر یافته است.

۲-۶- پیوند مشارکت اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی

اگر در گذشته معیار سنجش قدرت کشورها، منابع نظامی، اقتصادی، وسعت سرزمینی، جمعیت و نظایر آن بود، امروزه عوامل دیگری به این معیارها اضافه شده‌اند. یکی از این معیارها، مشارکت اجتماعی است. یک سیستم اجتماعی، هنگامی تاب‌آور است که بتواند شوک‌های موقت و یا دائم را جذب کرده و خود را با شرایط به‌سرعت در حال تغییر، وفق دهد، بدون اینکه ثبات خود را از دست بدهد. شایستگی اجتماع برای تاب‌آوری همان‌گونه که شایستگی فردی برای مقاوم بودن فرد لازم است، ضرورت دارد. شایستگی جامعه به عملکرد جامعه، مهارت‌های واکنش‌ضروری و حل مشکل، انعطاف‌پذیری و خلاقیت، فعالیت اشتراکی و نظایر آن مربوط است. این مهم با حضور و مشارکت مردم میسر است. تاب‌آوری اجتماعی، صرفاً قوی کردن عوامل قبل از حادثه نیست. تاب‌آوری اجتماعی، به توانایی مردم که خلاقانه یک آینده جدید را تصور کنند و سپس گام‌های لازم را جهت آینده مطلوب بردارند، متکی است. تاب‌آوری اجتماعی، هم‌توانایی جامعه شامل توانایی جهت توسعه راه‌حل‌های گوناگون برای مسائل پیچیده،

1. Redundancy
2. Resourcefulness
3. Responce
4. Recovery



توانایی درگیر کردن شبکه‌های مفید و هم‌درک جامعه از توانایی‌اش جهت تغییر مثبت مؤثر را در برمی‌گیرد. جوامعی که به‌طور جمعی معتقدند آن‌ها می‌توانند جامعه را بازسازی کرده و خودشان را در امان نگاه‌دارند، بهتر با موانع محیطی برخورد می‌کنند. در چنین جامعه تاب آور؛

- اعضاء جامعه در تصمیم‌گیری‌های جامعه دخالت می‌کنند؛
- جامعه احساس غرور می‌کند؛
- مردم درباره آینده جامعه، احساس امیدواری می‌کنند؛
- روحیه کمک متقابل و همکاری در جامعه وجود دارد؛
- مردم احساس دل‌بستگی به جامعه خود دارند؛
- جامعه به خودش متکی است و به خود و منابع خود جهت هدف قرار دادن موضوعات اصلی تکیه می‌کند؛
- اعتماد قوی وجود دارد.

۲-۷- پیشینه پژوهش

در جدول ۶، خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع آورده شده است. همان‌گونه که دیده می‌شود، پژوهش‌های انجام‌شده گرچه ارزشمند و دارای قابلیت اعتنا دارند، مع‌ذالك غالباً موردی بوده و فاقد یک چارچوبی جامع با قابلیت تعمیم‌پذیری هستند. به بیانی دیگر، سطح پژوهش‌ها، راهبردی و کلان نیستند. افزون بر این، حتی یکی از پژوهش‌ها، به بررسی و مطالعه مشارکت و استحکام ساخت درونی قدرت نظام نپرداخته است. همین مورد برای بیان تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی کفایت می‌کند. بر این اساس، مطالعه حاضر حداقل در گستره و تعمیم‌پذیری، سطح کلان و راهبردی و نیز ارائه الگو دارای نوآوری است. اتفاقی که در هیچ از پیشینه‌های قابل دسترس، مشاهده نگردید.

جدول شماره ۶- خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع

نویسندگان	اهداف و یا سؤالات اصلی	روش استفاده شده	مهم‌ترین یافته‌ها
نرگسیان و همکاران (۱۳۹۴)	اهمیت رسانه‌های اجتماعی آنلاین بر شفافیت و اعتماد عمومی با اثر میانجیگری مشارکت عمومی	پیمایشی	رسانه‌های اجتماعی آنلاین بر مشارکت مدنی و سیاسی و همچنین اثر این دو نوع مشارکت بر شفافیت و اعتماد عمومی معنادار بوده و تأیید می‌شود.
وارن، سلیمان و جعفر (۲۰۱۴)	تأثیر رسانه‌های اجتماعی در تشویق مشارکت مدنی آنلاین و ایجاد اعتماد شهروندی	پیمایشی	در این مقاله، تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر مشارکت مدنی که موجب ایجاد اعتماد در مردم می‌شود، بررسی شده-



			است. آن‌ها دریافته‌اند که رسانه‌های اجتماعی به منظور مشارکت آنلاین تأثیر مثبتی بر اعتماد دارند.
فالیباف و شوشتری (۱۳۹۲)	فرهنگ سیاسی چه تأثیری بر مشارکت شهروندان در حکومت محلی در تهران دارد؟	توصیفی، زمینه یاب و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی	مشارکت در حکومت محلی تهران، متأثر از تأثیر فرهنگ سیاسی در سطح ملی است که در ارتباط خانواده، باورها، نمادها، ارزش‌ها، ساختار مسلط، بنیان‌های عشیره‌ای، دگرگونی‌های تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی نقش آفرین هستند.
مرادی شهباز، مرشدلو و قاسمی طاهر (۱۳۹۲)	بررسی رابطه مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان همدانی با امنیت ملی کشور	پیمایشی	مشارکت سیاسی در ضریب امنیت ملی مؤثر است. بدین معنا که هر چه میزان مشارکت سیاسی افراد بیش‌تر باشد، ضریب امنیت ملی کشور نیز افزایش خواهد یافت.
شرفی و برک پور (۱۳۸۹)	معرفی سطوح مشارکت، دسته‌بندی‌های گوناگون فن‌های مشارکتی و معرفی آن‌ها با بهره‌گیری از تجارب جهانی	توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی	این پژوهش، گستره‌ای پنج سطحی از مشارکت را بر مبنای تلفیق سطح‌بندی‌های موجود ارائه می‌دهد. در این سطح‌بندی، مشارکت در پنج سطح اطلاع‌رسانی، شنیدن نظرها و دیدگاه‌های مردم، اعمال نظرات مردم در تصمیمات، اجماع و توافق عمومی و نهایتاً دادن اختیار به مردم تعریف می‌گردد.
علیزاده، رضوی نژاد، رادفر (۱۳۹۳)	یافتن نقش‌ها و میزان مشارکت مردم در اداره امور شهری	توصیفی تحلیلی	نقش مردم در اداره امور شهر، به ترتیب اولویت در مشارکت ذهنی معنوی، مشارکت سیاسی، مشارکت فیزیکی، مشارکت مالی و مشارکت ابزاری است.
امام‌جمعه زاده، مهرابی کوشکی، رهبرقاضی (۱۳۹۳)	آیا نظریه سرمایه اجتماعی می‌تواند تأثیر یکسانی بر مباحث توسعه سیاسی به‌ویژه مشارکت و رفتار سیاسی بر جای گذارد؟	تحلیل همبستگی و رگرسیون چندمتغیره	هر دو بعد ساختاری و ارتباطی سرمایه اجتماعی رابطه معناداری با ابعاد مشارکت سیاسی دارد. درعین حال، سرمایه اجتماعی ارتباطی، تأثیر بیشتری بر روی رفتار سیاسی جامعه هدف دارد.
مرادی، فکرآزاد، موسوی و عرش‌ی (۱۳۹۱)	بررسی رابطه مشارکت اجتماعی و ابعاد آن با کیفیت زندگی و ابعاد آن در سالمندان عضو کانون‌های سالمندی شهر تهران هست.	توصیفی تحلیلی و مقطعی	نتایج پژوهش حاکی از معنادار بودن رابطه بین مشارکت اجتماعی و ابعاد آن با کیفیت زندگی سالمندان هست و مشارکت غیرنهادی در میان سالمندان غلبه بیشتری دارد.



۳- روش تحقیق

هدف اصلی مطالعه حاضر، ارائه الگوی مفهومی مشارکت سازمان یافته مردمی با هدف تحقق استحکام ساخت درونی است. هدف از الگو، مطالعه، توصیف، تحلیل و پیشگویی رفتار سیستم‌ها و عملیات و روابط بین اجزاء آن با رویکرد سیستمی است. الگوی مفهومی حاضر، برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام، یک الگوی نظری با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی ایرانی مشارکت می‌پردازد. رویکردهای متفاوتی در طراحی الگوی مذکور مدنظر قرار گرفت:

- اکتشافی^۱؛ بر اساس مجموعه‌ای از معیارها و ارزش‌ها، در کنار تحلیل گذشته‌نگر و جلونگر.

- هنجاری / تجویزی^۲؛ موضوع این رویکرد، ترسیم الگوی مطلوب و تعیین اقداماتی است که «باید» برای تحقق آن صورت گیرد. پیش‌فرض این رویکرد بر این است که صرف‌نظر از «روندها» می‌توان اراده و ارزش‌های خاص بومی و اسلامی در طراحی و پی‌ریزی الگو دخالت داده شوند.

- تصویرپردازی^۳؛ تصویر کردن الگو بر پایه آرمان‌ها و تخیلات.

تحقیق حاضر از نوع کیفی، بر اساس هدف، تحقیق از نوع کاربردی توسعه‌ای و به لحاظ روش، پیمایشی و توصیفی است. ابزار و روش گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای از مجموع مقالات، کتب، یادداشت‌ها و سخنرانی‌های مرتبط با موضوع مشارکت و استحکام ساخت درون قدرت ملی جهت تهیه ادبیات موضوع؛ و روش میدانی بر اساس جمع‌بندی مباحث، نقطه نظرات و خرد جمعی خبرگان موضوع است. بدین معنا که با انجام تحلیل محتوای محورهای کلیدی و مرتبط ادبیات موضوع، نتایج در قالب سه دسته کلی؛ «چیستی»، «چرایی» و «چگونگی» مشارکت تنظیم گردید. در ادامه با برگزاری پنل دلفی با حضور تعداد ۹ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان در سه مرحله، نتایج اولیه موردبررسی، نقد و پس از جرح و تعدیل، به گونه‌ای که مورد توافق همگی باشد، نهایی گردید. دلفی، یک روش سیستماتیک است که با هدف پیش‌بینی آینده، کمک به فرآیند تصمیم‌گیری، جمع‌آوری اطلاعات یا رسیدن به اجماع نظر انجام می‌گیرد (کندی^۴، ۲۰۰۴) و دارای ویژگی‌های زیر است:

- سؤال و جواب‌ها و فعل و انفعالات در بین یک سری از افراد متخصص و ناشناس صورت می‌پذیرد؛

1. Explorative
2. Normative
3. Visionary
4. Kennedy



• چندین دور پرسشنامه یا ابزارهای دیگر برای جمع‌آوری داده، طبق نظر محقق بین متخصصان پخش شده و بازخوردها جمع‌آوری شده و در نظرات و مراحل بعدی اعمال می‌شود؛

• در پایان جواب‌های گروهی راضی‌کننده‌ای ارائه می‌شود (موری و هامونس، ۱۹۹۵).

اعضای پانل دلفی این پژوهش، به تعداد ۹ نفر از خبرگان با تحصیلات دکتری و یا دانشجوی دکتری آشنا به جامعه‌شناسی و مدیریت راهبردی می‌باشند. از این تعداد، ۳ نفر با رتبه علمی دانشیار و ۲ نفر استادیار بوده، ضمن آنکه دارای سابقه مدیریت و سیاست‌گذاری کلان و راهبردی در سطح ملی می‌باشند و هم‌اکنون نیز در نظام سیاست‌گذاری کلان ملی دارای مسئولیت و فعالیت هستند.

در مرحله اول به طراحی پرسشنامه و وزن دهی به مفاهیم موجود در آن، در مرحله دوم به تفاوت قائل شدن بین مفاهیم و ابعاد و اعتبارسنجی مفاهیم و در مرحله سوم به نهایی سازی مضامین پرداخته شد. برای وزن دهی سوالات پرسشنامه از طیف پنج مرحله‌ای لیکرت استفاده شد. برای تعیین شدت هر یک از عامل‌ها نیز از طیف زیر استفاده شد:

• اگر میانگین برای هر یک از مفاهیم یا ابعاد بیشتر یا مساوی عدد سه باشد، تأثیر گذاری آن بیشتر خواهد بود ($mean \geq 3$)

• اگر میانگین برای هر یک از مفاهیم یا ابعاد کمتر از عدد سه باشد، تأثیر گذاری آن کمتر بوده یا بدون تأثیر در نظر گرفته می‌شود ($mean < 3$) (فتحیان، ۲۰۰۷).

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- پیش فرض‌های طراحی چارچوب مفهومی

قصد این پژوهش، ارائه الگوی مفهومی از مشارکت سازمان‌یافته در تحقق استحکام ساخت درون قدرت است. پیش فرضی که بر این بخش اثر قابل توجهی دارد، مقبولیت کلیات مشارکت است که مورد وثوق و اجماع جامعه اسلامی و سکولار است؛

• توجه به اسناد بالادستی در طراحی الگو؛

• نگاه سیستمی به الگو؛

• توجه هم‌زمان به مبانی نظری اسلام و واقعیت جامعه ایرانی و تأثیر آن در

طراحی الگو؛

• پایبندی به آموزه‌های اسلامی در مقام اندیشه و عمل مثل توحید، معاد و

عدم انفکاک دنیا و آخرت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و تعاون، نوع‌دوستی و نظایر آن؛



- جامع‌نگری: فرهنگ‌سازی و توسعه مشارکت اجتماعی در خدمت اهداف و مصالح ملی؛
- تحول‌گرا: از میان‌نگرش‌ها (بهبودی و یا تحول‌گرا)، بر نگرش تحول‌گرا تأکید دارد. نگرش بهبودی در قالب پارادایم‌ها و قواعد جاری عمل می‌کند، اما نگرش تحولی معمولاً شالوده‌شکن بوده و پارادایم جدید می‌سازد؛
- حساس نسبت به ارزش‌ها: از دیدگاه مدیریت و برنامه‌ریزی، ارزش‌ها فراتر از اصول اخلاقی هستند. ارزش‌ها؛ یعنی آنچه واقعاً برای ما اهمیت دارند و تحت هیچ شرایط بیرونی تغییر نمی‌کنند؛ بنابراین الگوی مشارکت سازمان‌یافته، حساسیت خاصی به کشف ارزش‌ها داشته و نشان می‌دهد که تمهیدات لازم برای حراست آن‌ها باید اندیشیده شود؛
- مورد وفاق ذنبفعان: الگوی مشارکت در تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام، سازوکار و امکان مشارکت همه افراد جامعه در همه سطوح فردی، گروهی، سازمانی و ملی را برای اظهار نظر، بیان آرزوها و پیگیری مطالبات خود را فراهم می‌کند.

۴-۲- پیامدهای مورد انتظار از الگوی مفهومی

هدف نهایی مشارکت، «سهیم شدن مردم در قدرت از شکل‌گیری تا اعمال»، «امکان نظارت مردم بر سرنوشت خویش» و «فرصت‌سازی برای مردم جهت پیشرفت» است. به بیانی دیگر، از باارزش‌ترین جنبه‌های مشارکت، برداشتن حاشیه‌نشینی است و هر کسی متناسب با ظرفیت و توانمندی به ایفای نقش می‌پردازد. نقشی که سازنده، از روی اعتماد، مسئولیت‌پذیری، تعهد و کارآمدی خواهد بود. در این صورت، امکان دیدن همه، حتی «گم‌شدگان» نیز فراهم می‌گردد. این مهم، منجر به شکوفا شدن نیروی ابتکار و خلاقیت در افراد و جامعه؛ بهبود سرمایه اجتماعی؛ بهبود شیوه‌ها و فرآیندها؛ تحقق جامعه مولد، منسجم، عقلایی و یادگیرنده می‌شود. جامعه در نتیجه افزایش قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها، داشتن بازیگران توانمند، ساختارهای منسجم، فرآیندهای پاسخگو و محصولات دانش‌بنیان است. پرواضح است که این مهم به تحقق استحکام ساخت درون قدرت نظام منجر می‌شود.

جامعه مولد: در این جامعه، به دلیل امکان مشارکت سازنده، فعال، مسئولانه و مبتنی بر اعتماد، با به اشتراک‌گذاری دانش، همواره بهبود راه‌حل‌ها و نیز یافتن راه‌حل‌های جدید برای شکل‌گیری و تقویت قدرت دنبال می‌شود؛

جامعه منسجم: مفاهیم و اصطلاحات محوری و اساسی در این جامعه، رفاه، انسجام و موارد مشابه است. مشارکت مبتنی بر اعتماد، باعث می‌گردد تا افزون بر تعهد افراد، به امکان انجام نقش جمعی در شکل‌گیری قدرت منتهی می‌شود. برخی از سؤالات



قابل طرح در این رابطه عبارت‌اند از:

- چگونه می‌توان برای ایجاد قدرت در جامعه اقدام نمود؟
 - چگونه می‌توان از منابع تأمین‌کننده قدرت اطمینان به‌طور مؤثر استفاده نمود؟
 - چگونه می‌توان اطمینان حاصل نمود که همه افراد در شکل‌گیری قدرت کنار گذاشته نمی‌شوند؟
 - چگونه می‌توان مشارکت در جامعه را در میان تنوع گسترده ذینفعان برای شکل‌گیری قدرت تشویق نمود؟
- جامعه عقلایی:** ایده اصلی در این جامعه این است که استدلال‌های منطقی به‌طور فزاینده برای شکل‌دهی ساختار جامعه مهم هستند بنابراین تصمیم‌گیری بر مبنای خرد جمعی و مشورت است. طبیعی است در این صورت موضوعات و موارد مغفول، به حداقل خواهد رسید؛
- جامعه یادگیرنده:** افراد و جامعه در نتیجه تعامل سازنده، همواره تدبر، تفکر و آموزش را برای ایفای نقش بهتر تشویق می‌نمایند.

۴-۳- الگوی مفهومی نهایی

- برای ارائه الگوی مفهومی نهایی، با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌ها، پیامدهای مورد انتظار، تلاش گردید تا حداقل به سؤالات زیر پاسخ داده شود:
- چيستی^۱: که دلالت بر ماهیت مشارکت دارد. تبیین چيستی مشارکت از این حیث مهم است که اساساً به معنای سهیم شدن در شکل‌گیری، ایجاد، استقرار و اعمال قدرت نظام است؛
 - چرايي^۲: قدرت همواره از مهم‌ترین مطالبه هر ملت و نظام است. از سوی دیگر مردم بر اساس مبانی دینی و اعتقادی، ولی نعمت نظام هستند، از این‌رو ساخت قدرت و استحکام، ریشه در مشارکت مستقیم مردم دارد؛
 - چگونه‌گی^۳: تحقق مشارکت، قبل از هر چیز نیازمند ایجاد حس مشترک در میان جامعه مبنی بر اینکه این مهم ریشه در باورها و مبانی دینی دارد.
 - ذینفعان و بازیگران^۴؛
- جمع‌بندی این مهم در جدول شماره ۷ آمده است.

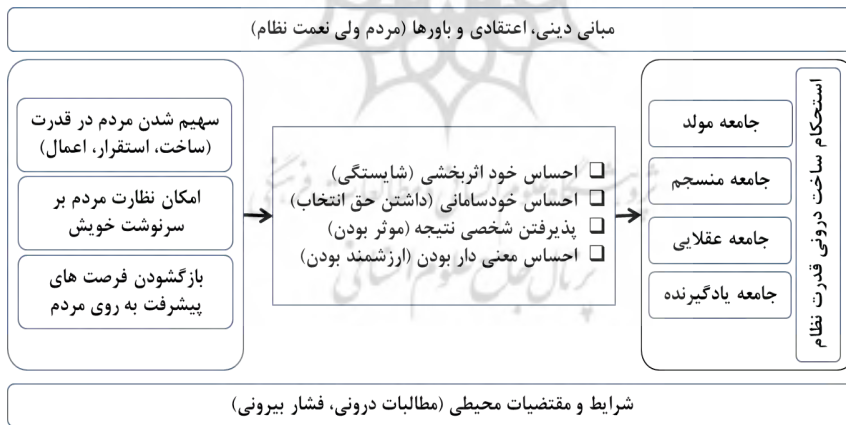
1. What
2. Why
3. How
4. Whom



جدول شماره ۷- محورهای اساسی نهایی شده در پایان سه مرحله پیل دلفی در طراحی الگوی مفهومی مشارکت برای تحقق ساخت درونی قدرت نظام

پایبندی به آموزه‌های اسلامی در مقام اندیشه و عمل مثل توحید، معاد و عدم انفکاک دنیا و آخرت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و تعاون، نوع‌دوستی و نظایر آن؛ توجه هم‌زمان به جامعیت اسلامی و واقعیت ایرانی؛ جامع‌نگری: فرهنگ‌سازی و توسعه مشارکت اجتماعی در خدمت اهداف و مصالح ملی؛ تحول‌گرا؛ حساس نسبت به ارزش‌ها؛ مورد وفاق ذینفعان؛	پیش فرض مشارکت
توانمندسازی	نوع مشارکت
سپردن تصمیم‌گیری نهایی به دست مردم	هدف مشارکت
سهیم شدن در شکل‌گیری، ایجاد، استقرار و اعمال قدرت نظام	چپستی مشارکت
مردم ولی نعمت نظام بر اساس مبانی دینی و اعتقادی هستند.	چرایی مشارکت
ایجاد حس مشترک در میان جامعه مبنی بر اینکه این مهم‌ریشه در باورها و مبانی دینی دارد.	چگونگی مشارکت
استحکام ساخت درونی قدرت نظام با ایجاد جامعه عقلایی، مولد، یادگیرنده و منسجم	پیامد مشارکت

با این نگاه، الگوی مفهومی مشارکت برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام برابر شکل زیر نهایی گردید.



الگوی مفهومی مشارکت برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام (مأخذ: پژوهشگر)

۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این مطالعه، بررسی تحقق استحکام درونی در نتیجه به کارگیری ظرفیت‌ها و توانمندسازی جامعه از طریق مشارکت است. برای بررسی این مهم، ابتدا مرور اجمالی مفهوم شناسی مشارکت و نیز استحکام ساخت درونی قدرت نظام از منظر مقام معظم



رهبری (مدظله‌العالی) صورت گرفت. در ادامه با رویکرد کیفی و روش توصیفی تحلیلی، جمع‌آوری اطلاعات از طریق مطالعه کتابخانه‌ای انجام و با جمع‌بندی و اجماع نقطه نظرات و بر اساس خرد جمعی تعدادی از اساتید و خبرگان، الگوی مفهومی ارائه گردید. جستجو در منابع قابل‌دسترس نشان می‌دهد مطالعه در خصوص مشارکت، موردعلاقه پژوهشگران زیادی بوده است. از این‌رو، متناسب با ذوق، تخصص و ظرفیت محقق، به آن پرداخته شده است. بسیاری از پژوهش‌ها به صورت مطالعه موردی و در سطح جامعه‌آزمون یا منطقه محدودی انجام شده است. در مطالعات صورت گرفته، چارچوبی کلان که به تبیین و ارائه الگویی برای مشارکت با هدف استحکام‌بخشی به قدرت نظام پرداخته باشد، دیده نشد. این مهم در حالی است که جامعه ایران اسلامی، در طی دوران پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، همواره و در سطوح مختلف مشارکت مردمی را تجربه کرده است و می‌تواند نسبت به الگوسازی تجربه‌های ارزشمند خود اقدام نماید. در این مطالعه تلاش شد تا مستند به تجارب کشور، به‌ویژه برخی از فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و نیز مطالعه ادبیات مرتبط، به ارائه الگوی مفهومی مشارکت برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام پرداخته شود. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد مشارکت سازمان‌یافته، در شکل‌گیری، تقویت، استقرار و اعمال قدرت مؤثر است. یکی از واژه‌های کلیدی که در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مطرح و در ادبیات جاری جامعه به یک باور تبدیل شده، استحکام ساخت درونی قدرت ملی است. آنچه از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) استفاده می‌شود، این است که استحکام ساخت درونی قدرت عمدتاً به رابطه مستحکم، منطقی و پایه‌ای بین نظام و مردم بستگی دارد. از همین منظر نظام جمهوری اسلامی ایران، به دلیل برخورداری رابطه مستحکم با بدنه ملت و توده‌های مردم، بر اساس باورهای اعتقادی و ایمان مردم بنیان، از بالاترین سطح اقتدار برخوردار است. علت تنیده شدن رابطه نظام و ملت در نظام جمهوری اسلامی، قبل از هر چیز به مبانی و پایه‌های اعتقادی مردم و اعتقاد به اسلام و به آموزه‌های دینی برمی‌گردد که «مشارکت» در کل فرآیند ایجاد، استقرار و تقویت قدرت ضرورت دارد. بدین معنا که مشارکت، هرگز به معنای سهیم شدن در قدرت، با اجازه و اراده دیگران نیست. پیامد این مهم، عبور به سلامت نظام از شرایط بغرنج، پیچیده و پرتلاطم است.

یکی از پیشنهاد‌های اصلی این مطالعه، مدل‌سازی تجربیات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در حوزه مشارکت مردمی است. طراحی و ارائه الگوی راهبردی با استفاده از الگوی مفهومی این مطالعه، در قالب شناخت ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها و نحوه ارتباط



و پیوند آن‌ها، به‌عنوان یک تحقیق و پژوهش علمی پیشنهاد دیگر این مقاله است. سنجش میزان انطباق الگوی مفهومی این مطالعه با الگوی مستخرج از تجربیات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، دیگر پیشنهاد قابل‌ارائه است. ضمن آنکه ارزیابی الگوی نهایی این تحقیق می‌تواند در سطح مطالعات موردی و جغرافیایی و حتی سازمانی، در قالب تحقیقات آینده توسط علاقه‌مندان دنبال و پیگیری شود.

۶- منابع

۱-۶- منابع فارسی

مقاله‌ها

۱. امام جمعه زاده، سیدجواد، مهربانی کوشکی، راضیه، رهبرقاضی، محمودرضا (۱۳۹۳)، بررسی نقش ابعاد ساختاری و ارتباطی سرمایه اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)، فصلنامه راهبرد، سال ۲۳، صص ۱۷۷-۱۵۳.
۲. حبیبی، سید محسن، سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴)، «شهرسازی مشارکتی کاوشی نظری در ایران»، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۲۴.
۳. رفیعیان، مجتبی، خدایی، زهرا، داداش پور، هاشم (۱۳۹۳)، «ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی به‌مثابه رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی»، فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱ (۲)، صص ۱۶۰-۱۳۳.
۴. شرفی، مرجان، برک پور، ناصر (۱۳۸۹)، «گونه‌شناسی تکنیک‌های مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری بر مبنای سطوح مختلف شرکت»، دو فصلنامه دانشگاه هنر، شماره ۴، صص ۱۰۱-۷۷.
۵. علیزاده، کتابیون، رضوی نژاد، مرتضی، راد فر، مینا (۱۳۹۲)، «بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری؛ نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، صص ۸۷-۶۱.
۶. قالیباف، محمدباقر، شوشتری، سیدمحمدجواد (۱۳۹۲)، «تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت شهروندان در حکومت محلی؛ مطالعه موردی: تهران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۸۲-۶۹.
۷. قلی پور، آریین، رحیمیان، اشرف (۱۳۸۸)، «رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰، صص ۶۲-۲۹.



۸. محمدی، علیرضا (۱۳۸۸)، «توسعه اجتماع محور؛ سازوکاری در ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی»، فصلنامه هفت شهر، وزارت مسکن و شهرسازی، شماره‌های ۲۴-۲۳، صص ۱۰۵-۸۸.
۹. مرادی شهباز، نسرین، مرشدلو، عاطفه، قاسمی طاهر، زهرا (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه مشارکت اجتماعی و سیاسی با امنیت ملی در بین شهروندان همدانی»، فصلنامه دانش انتظامی همدان، سال اول، شماره اول، صص ۱۴۷-۱۱۷.
۱۰. منظمی تبار، جواد (۱۳۸۵)، «نقش مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی»، فصلنامه دانش انتظامی، شماره اول، صص ۳۳-۹.
۱۱. نرگسیان، عباس، هژبرافکن خلاری، حسن، معینی کربکندی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «مطالعه تأثیر رسانه‌های اجتماعی آنلاین بر شفافیت و اعتماد عمومی با اثر میانجیگری مشارکت عمومی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران»، فصلنامه مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، دوره ۷، شماره ۳، صص ۶۵۶-۶۳۷.
۱۲. نفری، ندا، امیدی فرد، غلامرضا (۱۳۸۹)، «بررسی میزان تأثیر ساختار سازمانی بر توانمندسازی کارکنان»، فرآیند مدیریت و توسعه، شماره ۷۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۸۲-۶۳.
۱۳. نیازی، محسن (۱۳۸۵)، «تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان کاشان»، فصلنامه کاشان شناخت، شماره دوم، صص ۱۴۷-۱۲۷.

کتاب‌ها

۱۴. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۱۵. نهج البلاغه، ترجمه معادی خواه، عبدالحمید، تهران، انتشارات ذره.
۱۶. ابطحی، حسین، عابسی، سعید (۱۳۸۶)، «توانمندسازی کارکنان»، موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، تهران.
۱۷. آقامحمدی، علی، غیاثوند، ابوالفضل (۱۳۹۳)، «تاب‌آوری؛ رویکرد مدیریت مخاطرات»، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول.
۱۸. سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، در آمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
۱۹. علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، «الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها»، انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی کشور.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، تفسیر نمونه، جلد چهارم، دارالکتب اسلامی، تهران.
۲۱. ملک زاده، محمد شریف (۱۳۸۴)، مدیریت مشارکتی، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، چاپ اول.



۲۲. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، قابل دسترسی در سایت اینترنتی معظم له به آدرس www.khamenei.ir.

۶-۲- منابع لاتین

Articles

23. Arnstein, Sherry (1969) **A Ladder of Citizen Participation**, AIP Journal, 216-224.
24. Fathian. Mohammad. (2007), **Application of Delphi Technique for Development of E-Readiness Assessment Model: A Study on Small and Medium Enterprises of Iran**, IRMA International Conference.
25. Kennedy HP. (2004). **Enhancing Delphi research: methods and results**. J Adv Nurs. Vol,45. No,5. Pp 504-11.
26. McGinty, Sue. Cook, James (2002). **COMMUNITY CAPACITY BUILDING**. Australian Association for Research in Education Conference. [http\|: www.goole.com](http://www.goole.com)
27. Murry,J.W.& Hammons,j.o. (1995). **Delphi: a versatile methodology for conducting qualitative research**. The Review of Higher Education. Vol, 18. No,4. Pp 423-36.
28. 1) Warren, A. M. Sulaiman, A. & Jaafar, N.I. (2014). **Social media effects on fostering online civic engagement and building citizen trust and trust in institutions**. Government Information Quarterly, 31(2): 291-301.

Books

29. 2) Blanchard, K. Carlos, J. P. & Randolph, A. (2003). **Three keys to empowerment: release the power within people for astonishing results**. San Francisco: Berrett-Koehler.
30. 3) Creighton, James (2005), **The Public Participation Handbook: Making better Decisions Through Citizen Involvement**, John Wiley & Sone, San Francisco
31. 4) Davies Anna, Simon Julie (2013), **The value and role of citizen engagement in social innovation**, a deliverable of the project: The theoretical, empirical and policy foundations for building social innovation in Europe (TEPSIE), European Commission – 7th Framework Programme, Brussels: European Commission, DG Research, 2013
32. 5) Davies Anna, Simon Julie, Patrick, R and Norman, W, (2012), **Mapping citizen engagement in the process of social innovation**, a deliverable of the project: The theoretical, empirical and policy



- foundations for building social innovation in Europe (TEPSIE), European Commission – 7th Framework Programme, Brussels, European Commission, DG Research, 2012
33. 6) Davies, A, Simon, J, Patrick, R and Norman, W (2012), **Social Innovation Overview**, a deliverable of the project: The theoretical, empirical and policy foundations for building social innovation in Europe (TEPSIE), European Commission – 7th Framework Programme, Brussels, European Commission, DG Research.

